



بررسی تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

مهدی بهنام

استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز

Mehdi_behname@yahoo.com

چکیده

در این مقاله، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی برای سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۸۸ بررسی شده است. پس از بررسی و آزمون ایستایی، مشخص شد که کلیه متغیرها در تفاضل مرتبه اول ایستا می‌باشند. تعیین‌کننده‌های در نظر گرفته شده: سرمایه‌گذاری تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، جمعیت، زیرساخت اقتصادی، تورم، بیکاری و مالیات می‌باشند. در بین آن‌ها تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی و زیرساخت اقتصادی اثر مثبت و معنی‌دار بر سرمایه‌گذار خارجی داشته، جمعیت و تورم بر سرمایه‌گذاری خارجی بی‌اثر بوده؛ ولی مالیات و بیکاری اثر منفی بر سرمایه‌گذاری خارجی دارند.

طبقه‌بندی JEL، O53; O16; F21; C22

کلید واژه: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ایران، تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) یکی از منابعی است که منجر به رشد اقتصادی در کشورهای میزبان می‌شود و این موضوع به کرات در مطالعات تجربی اثبات شده است. از آنجایی که هدف هر دولتی افزایش رفاه ملی می‌باشد و رشد اقتصادی مهمترین عامل افزایش رفاه به‌شمار می‌آید و همچنین این عامل با FDI رابطه‌ای مستقیم دارد، کشورهای میزبان از بعد از سال‌های ۸۰ میلادی سیاست خود را در جهت جذب FDI تغییر دادند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر اثر مستقیم بر رشد اقتصادی بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند اشتغال، انتقال تکنولوژی، سرریز دانش فنی و ... اثرگذار است. در سال‌های گذشته این بنگاه‌های سرمایه‌گذار بودند که به کشورهای میزبان



جهت سرمایه‌گذاری پیشنهاد امتیازات خاص می‌دادند؛ ولی امروزه این کشورهای میزبان می‌باشند که دنبال جذب این بنگاه‌ها هستند و با دادن امتیازهایی چون یارانه، تسهیلات بانکی و کاهش مالیات، سعی در جلب نظر آن‌ها را دارند. در شرایط امروزی، بنگاه‌های سرمایه‌گذار برای حداکثر کردن سود خود به بعضی از متغیرهای اقتصادی و سیاسی نگاه می‌کنند، لذا به نظر می‌رسد مفید باشد که کشورهای میزبان با خواسته‌های این بنگاه‌ها آشنایی داشته تا به راحتی نظر آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری جلب کنند، چرا که در کشورهایی که منابع و وجوه قابل سرمایه‌گذاری محدود هستند، این سرمایه‌ها برای اشتغال و تولید می‌توانند راهگشا باشند. از جمله مواردی که مدنظر این بنگاه‌هاست می‌توان حجم بازار، هزینه تولید، زیرساخت اقتصادی و جمعیت را نام برد. لذا کشورهای میزبان با افزایش GDP، بهبود زیرساخت‌ها می‌توانند زمینه‌ی جذب سرمایه را تسهیل کنند. در این مقاله، پس از بررسی تحقیقات انجام شده در ایران و خارج، در زمینه‌ی تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارائه‌ی مبانی تئوریک در این زمینه، اثر این متغیرها را بر سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تخمین داده‌های سری زمانی بررسی می‌کنیم.

۲- مطالعات تجربی

در زمینه‌ی مطالعات انجام شده بر روی سرمایه‌گذاری خارجی، می‌توان خاطر نشان کرد که این مهم به‌طور کلی توسط محققین داخلی و خارجی مطالعه شده است. در این قسمت ابتدا پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری خارجی را در ایران و سپس در خارج از کشور، بررسی می‌کنیم.

۲-۱- مطالعات داخلی

عاقلی کهنه شهری با مطالعه‌ای تحت عنوان «تخمین تابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب اسلامی» عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مورد بررسی قرار داده است و در فاصله‌ی زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۳ با استفاده از ترکیب سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی تابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را برای کشورهای اسلامی تخمین زده است. از این مدل می‌توان نتیجه گرفت که در جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید مجموعه‌ی اقدامات دولت‌های اسلامی به‌گونه‌ای باشد که حجم بدهی‌های خارجی کاهش و سرمایه‌گذاری داخلی در زیربنا افزایش یافته و اقتصاد این کشورها در برابر تجارت بین‌الملل بازتر شود.

شاه‌آبادی و محمودی با تحقیقی تحت عنوان «تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران» عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را طی دوره‌ی ۱۳۳۸-۱۳۸۲ بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند: الف) منابع طبیعی موجود، سرمایه انسانی و زیرساخت‌ها به صورت مستقیم و معنی‌دار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران مؤثرند؛ ب) متغیر حقوق سیاسی و متغیر موهومی انقلاب اسلامی نیز به صورت معکوس و معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران تأثیر داشته‌اند.

نجاززاده و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی OIC» با استفاده از داده‌های پانل عوامل مؤثر بر جذب FDI در ۳۱ کشور اسلامی طی دوره‌ی ۵ ساله‌ی (۲۰۰۰-۱۹۹۵) را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که گسترش اندازه‌ی بازار، اجرای سیاست‌های مناسب بازرگانی نظیر کاهش تعرفه‌ها و آزادسازی بازرگانی خارجی کاهش بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصادی از طریق کاهش نرخ تورم، کاهش کسری بودجه و نیز بدهی‌های خارجی دولت اثرات مثبتی بر جذب FDI در کشورهای اسلامی دارد.



نजारاده و شقاقی شهری (۱۳۸۳)، در تحقیقی با نام «رتبه‌بندی کشورهای OIC بر اساس عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» شاخص‌های متعددی را برای رتبه‌بندی کشورهای اسلامی از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مطالعه نموده‌اند. شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، شاخص باز بودن تجاری، شاخص دستمزد یا هزینه‌های هر واحد از نیروی کار، نسبت پس‌انداز بر تولید ناخالص داخلی، نسبت بدهی خارجی به تولیدات خالص داخلی، میانگین نرخ تعرفه، نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی، ضریب بین، تغییرپذیری نرخ ارز، شاخص امنیت سیاسی، شاخص ریسک و شاخص آزادی اقتصادی.

این شاخص‌ها به روش تاکسونومی عددی رتبه‌بندی شده و نتایج نشان می‌دهند که ایران در بین ۴۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی در رتبه سی و پنجم قرار دارد.

کمیجانی و عباسی (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای با عنوان "تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران" برخی از متغیرهای مهم بر جریان ورودی FDI در کشور را با استفاده از مدل Bajn-simo و از روش ARDL با به کار بردن داده‌های سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۵۳ بررسی کرده‌اند. تورم، نرخ بهره و ارز تأثیر منفی و تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت بر سرمایه‌گذاری خارجی دارند.

۲-۲- مطالعات خارجی

جمس^۱ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ی خود با عنوان «تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری خارجی در مالزی» با به کار بردن داده‌های سری زمانی در دوره‌ی ۲۰۰۵-۱۹۶۰ عوامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در مالزی بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که تولید ناخالص داخلی یک اثر مثبت بر جریان FDI دارد و رشد اقتصادی نیز یک اثر مثبت بر FDI دارد. برای جذب سرمایه‌گذاری باید توسعه مالی، زیرساخت اقتصادی و باز بودن تجاری توسعه یابند.

کلستد و ویلانگر^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خدمات» داده‌های FDI را برای ۵۷ کشور در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۹ بررسی کرده‌اند. کیفیت صنعتی و دموکراسی مهمتر از ریسک سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی هستند. دموکراسی فقط در کشورهای در حال توسعه بر FDI اثر می‌گذارد.

جنگ و کدان^۳ در مقاله‌ی خود با نام «عوامل استقرار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چیستند؟ تجربه‌ی چینی‌ها» اثر عوامل سرمایه‌گذاری خارجی در ۲۹ منطقه‌ی چین از ۱۹۸۵-۱۹۹۵ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که بازار منطقه‌ای، زیرساخت خوب، واگذاری امتیازات به FDI اثر مثبت و هزینه‌ی دستمزد، اثر منفی بر FDI دارند. آموزش اثر مثبت بر FDI دارد؛ ولی معنی‌دار نیست.

ویودا^۴ (۲۰۱۰) در مقاله‌ی خود با نام «عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش معدن در آسیا: مقایسه‌ی چین و هند» تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری خارجی را در صنعت معدن در چین و هند مطالعه می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که شرایط کلی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن در چین و هند مطلوب نیست و سیاست‌های اساسی، کنترل و دیگر تغییرات در هر دو کشور برای جذب سرمایه‌گذاری نیاز به بازسازی دارند.

¹ - James

² - Kolstad and Villanger

³ - Cheng and Kwan

⁴ - Vivoda



۳- مبانی تئوریک

دوپک و میلان^۱ اعتقاد دارند که یک تئوری یک پارچه در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که به توان به آن طریق تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری را بررسی کرد، وجود ندارد؛ ولی با این وجود تئوری اکلکتیک دونینگ^۲ نقطه‌ی شروع خوبی برای کارهای موجود بوده است. اما امروزه این تئوری نیز شامل مرور زمان شده و جوابگوی نیازهای حال حاضر نیست. تئوری سرمایه‌گذاری خارجی با گسترش اقتصاد جغرافیایی توسعه یافته است. در اینجا بعضی از عواملی که بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثرند را بررسی می‌کنیم.

دسترسی به بازار و حجم بازار: عبارت دسترسی به بازار سال‌هاست که توجه محققین سرمایه‌گذاری خارجی را به خود جلب کرده است. این عامل از مهمترین تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. اکثر کشورهایی که از یک رشد سریع در سرمایه‌گذاری خارجی برخوردارند از یک دسترسی به بازار و GDP بالا بهره می‌جویند.

وقتی که حجم بازار کشورهای میزبان به یک آستانه‌ی خاص می‌رسد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش می‌یابد. مطمئناً متغیرهای دیگری چون باز بودن تجاری، شرایط اقتصادی با ثبات، تعرفه، مالیات، دستمزد و ... بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثرند؛ ولی اثر این متغیرها نسبت به حجم بازار ناچیز است. GDP کشورها به عنوان پراکسی^۳ برای حجم بازار در نظر گرفته می‌شود و انتظار می‌رود بین FDI و GDP یک رابطه‌ی مستقیم برقرار باشد.

هزینه‌ی عوامل تولید: هزینه‌ی تولید فیزیکی از عوامل جذب سرمایه‌گذاری می‌باشد. کشورهای سرمایه‌گذار به دنبال نیروی کار ارزان در کشورهای دارنده‌ی این مزیت استقرار می‌یابند. یکی از عوامل موفقیت کشور چین در سال‌های اخیر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، داشتن نیروی کار ارزان بوده است. همان‌طور که واضح است پایین بودن هزینه تولید، قیمت تمام‌شده را کاهش داده و قدرت رقابت بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد. از طرفی وجود نیروی بیکار در یک بازار می‌تواند نشان دهنده‌ی نیروی کار ارزان و قابل دسترس باشد و لذا می‌تواند یک عامل جذب سرمایه‌گذاری باشد؛ البته این موضوع به نوع کالا، سطح تکنولوژی و تخصص بستگی دارد.

سیاست‌های اقتصادی: در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری معمولاً با تالاقی دو تصمیم مواجه هستیم: بنگاه سرمایه‌گذار که می‌خواهد در فضایی سرمایه‌گذاری کند که سود خود را حداکثر کند و دولت که می‌خواهد برای برخورداری از مزایای این سرمایه‌ها، هر چه بیشتر بنگاه‌ها را بر روی سرزمین خود جذب کند.

در سال‌های قبل از ۸۰ میلادی کشورهای در حال توسعه دیدگاه مثبتی نسبت به سرمایه‌های خارجی نداشتند و با سیاست‌های مختلف مانع جذب این سرمایه‌ها می‌شدند؛ ولی بعد از پدیده‌ی جهانی شدن و بروز مزایای این سرمایه‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی این کشورها حتی متوسل به تخفیف‌های مالیاتی و پرداخت یارانه برای جلب آن‌ها شدند. با این وجود، مطالعات بسیاری از کشورها نشان می‌دهند که مالیات‌ها و یارانه‌ها برای جذب این سرمایه بی‌اثرند. از آنجایی که بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها بدون حمایت دولت انجام شده و به موفقیت‌های چشم‌گیری رسیده‌اند می‌توان یک صحنه بر عبارت اخیر باشد.

زیرساخت اقتصادی: این عامل ظرفیت فعالیت‌های اقتصادی را در سطح کشور بالا می‌برد. زیرساخت اقتصادی؛ مانند جاده‌ها، فرودگاه، راه‌آهن، بروکراسی اداری و ... اگر پیشرفته باشند، روند مبادله و نقل و انتقال کالا و خدمات را تسریع کرده و منجر به بهبود روند تولید می‌شود. تولیدکنندگان با عاملین فروش و عاملین فروش با مشتریان به راحتی

¹ - Dupuch and Milan

² - Dunning

³ - Proxy



رابطه برقرار می‌کنند و بهره‌برداری از تکنیک تولید از مناطق دیگر، راحت‌تر می‌شود. برای زیرساخت اقتصادی می‌توان از پراکسی خط تلفن استفاده کرد.

تورم: وجود تورم در کشور میزبان نشانه‌ی ریسک و عدم ثبات اقتصادی است. افزایش تورم قیمت تمام‌شده‌ی کالاها را افزایش داده و از طرفی قدرت خرید مشتریان را کاهش می‌دهد. افزایش این پدیده به خودی خود می‌تواند منجر به کاهش تقاضا برای کالای سرمایه‌گذار شود و انتظار می‌رود با افزایش تورم سطح سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یابد.

۴- داده‌ها و نتایج

برای تخمین مدل از متغیرهای جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI، تولید ناخالص داخلی GDP، نرخ رشد اقتصادی GGR، تورم INF، جمعیت POP، مالیات TAX، زیرساخت (خط تلفن) TEL و نرخ بیکاری UNE به‌صورت لگاریتم در محدوده‌ی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۸ استفاده می‌کنیم. منبع داده‌ها سایت‌هایی مانند UNCTAD، UNDATA، FMI، World Bank و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

۴-۱- تخمین مدل

برای پرهیز از رگسیون کاذب، ریشه‌ی واحد متغیرها را بررسی می‌کنیم. جدول (۱) آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته و فیلپس پرون را در سطح نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، متغیرهای GDP، GGR و INF و TEL و TAX و UNE در سطح ایستا می‌باشند؛ ولی جدول (۲) آزمون ریشه‌ی واحد را برای این متغیرها در تفاضل مرتبه اول نشان می‌دهد که تمامی متغیرها ایستا می‌باشند.

جدول ۱- آزمون ریشه‌ی واحد در سطح

	ADF	PP
FDI	-۰/۹۴۱	-۰/۹۴
GDP	۰/۶۰	۲/۹۸**
GGR	-۶/۰۲*	-۷/۹۵*
INF	-۳/۳۹	-۳/۴۱**
POP	-۴/۸۲	-۰/۷۶
TAX	-۴/۷۹*	۰/۴۲
TEL	-۴/۴۶*	۲/۹۹**
UNE	-۴/۵۹*	-۴/۶۰*

* ایستا در سطح یک درصد

** ایستا در سطح پنج درصد



جدول ۲- آزمون ریشه‌ی واحد در تفاضل مرتبه اول

	ADF	PP
DFDI	-۵/۲۱*	-۵/۲۰*
DGDP	-۲/۷۷*	-۳/۳۱***
DGGR	-۵/۳۹*	-۲۴/۴۲*
DINF	-۷/۷۵*	-۷/۹۱*
DPOP	-۲/۵۸	-۶/۶۳*
DTAX	-۲/۹۱***	-۲/۹۶***
DTEL	۲/۶۴***	-۲/۱۵
DUNE	-۶/۲۳*	-۱۵/۶۴*

* ایستا در سطح یک درصد

** ایستا در سطح پنج درصد

*** ایستا در سطح ده درصد

جدول ۳- نتایج تخمین مدل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

	Mode 1 A	Mode 1 B	Model C	Mode 1 D	Mode 1 E
GDP	(۴/۴۰) ۹/۰۷	(۴/۸۰) ۱۳/۹۹	(-۱/۵۰) -۴/۵۴	-	(۴/۴۶) ۸/۹۹
GGR	(۲/۲۸) ۱/۵۱	(۳/۱۱) ۱/۸۲	(۰/۲۳) ۰/۰۸	(۲/۲۹) ۰/۶۹	(۲/۴۴) ۱/۶۰
POP	(۱/۱۸) ۱/۶۸	(-۱/۴۴) -۴/۴۴	(-۱/۶۷) -۲/۵۰	-	(۱/۲۰) ۱/۶۷
INF	-	(-۰/۲۰) -۰/۱۵	(۰/۴۴) ۰/۱۴	(-۰/۶۵) -۰/۲۴	(۰/۷۱) -۰/۹۱
TAX	-	(-۲/۱۶) -۲/۱۵	(-۶/۹۰) -۳/۲۵	(-۷/۰۰) -۲/۲۹	-
TEL	-	-	(۶/۷۵) ۴/۹۸	(۱۰/۱۱) ۳/۷۷	-
UNE	-	-	(-۲/۰۵) -۱/۴۴	-	-

اعداد داخل پرانتز آماره‌ی t می‌باشند.

نتایج مدل‌ها نشان می‌دهند که تولید ناخالص داخلی GDP اثر مثبت و معنی‌داری بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI دارد. در مدل B یک درصد افزایش در GDP ۱۳/۹۹ درصد سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش



می‌دهد. هر چه GDP کشوری بالاتر باشد، نشان دهنده‌ی حجم بازار بزرگتر بوده و این خود نشان می‌دهد که کالاهای سرمایه‌گذارها بهتر و راحت‌تر به فروش می‌رسند، لذا با GDP بالا سرمایه‌گذاری راحت‌تر جذب می‌شود. متغیر رشد اقتصادی نیز به دلیل این که نرخ رشد GDP را نشان می‌دهد، همان اثر را بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند. در جدول (۳) در مدل‌های A، B، D و E افزایش در رشد اقتصادی باعث جذب FDI بیشتر می‌شود. متغیر جمعیت در این مدل‌ها تأثیر معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری خارجی را نشان نمی‌دهد، هر چند که افزایش در جمعیت نشان‌دهنده‌ی بازار خرید خوبی برای سرمایه‌گذار است. تورم به عنوان ریسک اقتصادی اثر معنی‌داری بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ندارد. شاید به این دلیل است که متغیرهای دیگری چون استخراج نفت، GDP و زیرساخت‌ها از دید سرمایه‌گذارها مهمتر هستند. سرمایه‌گذارها در ایران نسبت به نرخ مالیات بسیار حساس هستند. در سه مدل B، C و D افزایش در مالیات به طور معنی‌داری سطح سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد. زیرساخت‌ها در ایران برای سرمایه‌گذارها مهم هستند. یک زیرساخت خوب؛ مانند جاده، تلفن، فرودگاه و ... باعث تسهیل در مبادله می‌شود. در مدل‌های C و D اثر این متغیر به خوبی مشخص است. افزایش بیکاری نیز باعث کاهش سرمایه‌گذار می‌شود، چرا که نیروی کار بیکار نشان‌دهنده‌ی بیکاری ساختاری است که ریسک اقتصادی را نشان می‌دهد.

۴-۲- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

به طور خلاصه باید عنوان کرد که متغیرهای تولید ناخالص داخلی GDP، رشد اقتصادی GGR و زیرساخت TEL اثر مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته ولی متغیرهای تورم INF و جمعیت اثری بر سرمایه‌گذاری ندارند و متغیرهای مالیات TAX و بیکاری UNE اثر منفی بر سرمایه‌گذاری خارجی دارند. متغیرهای تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی نشان می‌دهند که کشور ایران قدرت جذب کالاهای تولید شده توسط سرمایه‌گذارها را دارد، پس یک اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری خارجی دارند، لذا تمرکز دولت برای جذب سرمایه‌گذاری باید بر افزایش تولید ناخالص داخلی باشد. متغیر دیگر زیرساخت‌ها می‌باشد. این متغیر در تمام کشورها برای سرمایه‌گذاری مهم می‌باشد، چرا که کالاهای تولیدی و منابع اولیه را به راحتی جابه‌جا می‌کنند. حال با توجه به این شرایط برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی دولتمردان باید بر این زیرساخت‌ها متمرکز شده و سیستم حمل و نقل جاده‌ای، راه‌آهن، فرودگاه، تلفن و ... را گسترش دهند.

مورد بعدی مالیات است. کشورهای سرمایه‌گذاری نسبت به مالیات در ایران واکنش نشان می‌دهند، لذا باید نرخ مالیات کاهش یافته، یارانه و تسهیلات بانکی نیز افزایش یابد. در نهایت نرخ بیکاری باید کاهش یابد تا جذب سرمایه‌گذاری افزایش یابد.



۵- منابع

- _زنوز، علی (۱۳۷۶) ؛ اثرات تغییر نرخ ارز بر صادرات و واردات کشور ۷۳-۱۳۴۰ ، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران
- شاه آبادی، ابوالفضل(۱۳۸۰) "بررسی عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران"، فصلنامه ی مفید، شماره ۲۷
- عباسی، من صوره (۱۳۸۲) بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر جلب سرمایه های مستقیم خارجی و موانع آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تهران.
- کمیحانی، عباسی(۱۳۸۵)، "تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران" مجله ی تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۳
- نجار زاده، رضا؛ شقاقی شهری، وحید(۱۳۸۳) رتبه بندی کشورهای OIC براساس عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری خارجی و فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره دوم، ص ۸۷ - ۱۰۸
- نیلی ، مسعود(۱۳۸۲) ، استراتژی توسعه صنعتی کشور، دانشگاه صنعتی شری ف ، تهران، مؤسسه انتشارات علمی
- Aitken, B. J., Harrison, A. "Do Domestic Firms Benefit from Direct Foreign Investment? Evidence from Venezuela"., American Economic Review, (1999):89, 605-618.
- Ang, James B. "Determinants of foreign direct investment in Malaysi" Journal of Policy Modeling 30 (2008) 185-189
- Beck, T., Demirguc-Kunt, A., Levine, R. "A New Database on Financial Development and Structure"., World Bank Economic Review, Vol.14, No.3, (2000): 597-605.
- Beck, T., Levine, R., Loayza, N. "Finance and the Sources of Growth"., Journal of Financial Economics, No. 58, (2000): 261-300.
- Borensztein, E., De Gregorio, J., Lee, J-W. "How Does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth?"., Journal of International Economics, No. 45, (1998): 115-35.
- Borensztein, E., De Gregorio, and Lee, J-W. "How Does Foreign Direct Investment Effect Economic Growth?"., Journal of International Economics, Vol. 45, (1998): 115-135.
- Carkovic, M., Levine, R. "Does Foreign Direct Investment Accelerate Economic Growth?"., University of Minnesota, Working Paper, (2000).
- Easterly, W. "The Elusive Quest for Growth, Cambridge, Massachusetts: MIT Press"., Economics, No. 58, (2001): 187-214.
- Goldsmith, R. W. Financial Structure and Development. New Haven, Connecticut: Yale University Press., 1969.
- King, R., Levine, R. "Finance and Growth: Schumpeter Might be Right"., Quarterly Journal of Economics, No. 108, (1993): 717-738.
- King, R., Levine, R. "Finance, Entrepreneurship and Growth: Theory and Evidence"., Journal of Monetary Economics, No. 32, (1993): 513-542.
- King, Robert G. and Levine, Ross. "Finance, Entrepreneurship, and Growth: Theory and Evidence"., Journal of Monetary Economics, (December, 1993): 513-42.
- Levine, R., Loayza, N., Beck, T. "Financial Intermediation and Growth: Causality and Causes"., Journal of Monetary Economics, 46:1, (2000): 31-77.
- Levine, R., Zervos, S. "Stock Markets, Banks and Economic Growth"., American Economic Review, No. 88, (1998): 537-558.
- Vivoda, V. "Determinants of foreign direct investment in the mining sector in Asia: A comparison between China and India" Resources Policy (2010)